

قناعت از برجسته‌ترین فضائل اخلاقی در فرهنگ اسلامی است که در برابر حرص و دنیاطلبی قرار دارد. انسان قانع به آنچه خداوند برای او مقدر کرده رضایت دارد و در عین تلاش برای پیشرفت، دل خود را وابسته به دنیا و داشته‌های دیگران نمی‌کند.

قناعت تنها یک شیوه برای مدیریت امور زندگی نیست، بلکه حالتی روحی و فضیلتی معنوی است که انسان را از اسارت خواسته‌های پایان‌ناپذیر نفس رها می‌سازد و زمینه رشد ایمان و پاکی اخلاق را فراهم می‌کند. ازاین‌رو، در آموزه‌های اسلامی آثار معنوی و اخروی فراوانی برای قناعت بیان شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. **رهايي از حرص، طمع و دلبستگی افراطی به دنیا**

یکی از بزرگ‌ترین آثار معنوی قناعت، نجات انسان از حرص و طمع است. انسان قانع به جای اینکه تمام فکر و توان خود را صرف رسیدن به خواسته‌های پایان‌ناپذیر دنیوی کند، دل خود را به خداوند متعال وابسته می‌کند و دنیا را وسیله‌ای برای رسیدن به کمال می‌بیند، نه هدف نهایی زندگی. قناعت، انسان را از اسارت دنیا و هوای نفس آزاد می‌کند و مانع می‌شود که برای رسیدن به مال و امکانات بیشتر، ارزش‌های دینی و اخلاقی خود را قربانی کند.

در روایت آمده است: «و کَلِّمًا نَفْسَ مِنَ الْقَنَاعَةِ زَادَ فِی الرِّغْبَةِ؛ و هر اندازه که از قناعت کم شود، به همان اندازه میل و رغبت و حرص انسان (به دنیا) زیاد می‌گردد.»^(۱)

قناعت یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های معنوی انسان است که او را از اسارت حرص، طمع و دنیاطلبی رها می‌سازد و زمینه رشد ایمان و کمال روحی را فراهم می‌کند. انسان قانع به مقام رضا و توکل نزدیک می‌شود، از رذایل اخلاقی دور می‌گردد، شکرگزاری او افزایش می‌یابد و فرصت بیشتری برای عبادت و اصلاح نفس پیدا می‌کند. همچنین در مسیر آخرت، قناعت سبب جلب رضایت الهی، قبولی اعمال سبک شدن حساب قیامت و رسیدن به سعادت جاودانه می‌شود.

بنابراین، قناعت انسان را از بسیاری از لغزش‌های اخلاقی که ریشه در دنیاطلبی دارند حفظ می‌کند.
۲. رسیدن به مقام رضا و تسلیم در برابر تقدیر الهی
از مهم‌ترین آثار معنوی قناعت، رسیدن به مقام رضایت از خواست خداوند است.

انسان قانع باور دارد که خداوند حکیم، روزی و شرایط زندگی‌بندهگان را بر اساس مصلحت آنان قرار می‌دهد؛ اما انسان قانع در برابر مقدرات الهی اعتراض و نارضایتی درونی ندارد. این روحیه، انسان را به مقام رضا و تسلیم نزدیک می‌کند؛ مقامی که از ارزشمندترین درجات ایمان است.

قناعت سبب می‌شود انسان، امید و تکیه اصلی خود را به خداوند قرار دهد، نه به اسباب دنیوی. انسان قانع می‌داند که ارزش واقعی او نزد خداوند به ایمان، تقوا و عمل صالح است، نه به مقدار ثروت یا قدرت.

شسبه: چطور اجتهاد باعث پویایی فقه و پاسخ‌گویی دین به نیازهای زمان است، در حالی که در خروجی آن - چه در زمینه عبادات و چه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی - این‌همه اختلاف است؟

پاسخ:

فقه شیعه از آغاز بر استنباط احکام شرعی از منابع معتبر و به‌کارگیری قواعد و روش‌های مشخص استوار بوده است. قرآن نیز اصل «فقه درین» و بازگشت اهل دانش دینی به جامعه برای آگاهی‌بخشی و هدایت آنان را مورد توجه قرار داده است: «فَلَوْلَا نَفْعٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ چرا از هر گروهی از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی عمیق پیدا کنند و هنگامی که به سوی قوم خود بازگشتند، آنان را بیم دهند، باشد که آنان بر حذر باشند.»^(۱)

اختلاف فتاوا بسا پویایی فقه ناسازگار نیست؛ زیرا پویایی فقه به معنای یکسان بودن همه نتایج اجتهادی نیست، بلکه به معنای برخورداری از روش منضبط برای استنباط حکم و مواجهه با مسائل و موضوعات متغیر است.این اختلاف می‌تواند نکته نخست: پویایی فقه به معنای یکسان بودن فتاوا نیست
برای پاسخ به این پرسش، نخست باید میان دو مسئله تفکیک کرد: «پویایی فقه» و «یکسان بودن نتایج اجتهاد».
اجتهاد به این معنا نیست که هر مسئله الزاماً باید یک پاسخ یکسان در میان همه فقها داشته باشد؛ بلکه به این معناست که فقیه برای کشف حکم شرعی، از منابع معتبر و قواعد مشخص استفاده کند و در هر مسئله، بر اساس آنچه از نظر او دلیل معتبرتری دارد، به نتیجه برسد.
بنابراین، اختلاف در برخی نتایج اجتهادی، لزوماً به معنای فقدان روش یا ناتوانی فقه نیست. از سوی دیگر، اختلاف فتاوا را نباید بیش از اندازه گسترده تصور کرد. در بسیاری از احکام اساسی و مستند به دلش روشن، میان فقهای اختلافی وجود ندارد و بخش مهمی از اختلاف‌ها در مسائل فرعی و نظری رخ می‌دهد.

دارایی و امکانات ظاهری. این روحیه، توکل انسان را افزایش داده و او را از بند وابستگی‌های دنیایی آزاد می‌کند.

۴. **دستیابی به حیات طیبه و پاکی روح**
قناعت یکی از عوامل رسیدن به زندگی پاک و معنوی است؛ زیرا انسان قانع با شکر نعمت‌ها، رضایت از خداوند و دوری از حرص، زمینه آرامش روح و رشد معنوی خود را فراهم می‌کند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم.»^(۲) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره «حیات طیبه» در آیه می‌فرماید: «مقصود قناعت و رضایت به تقسیم روزی از جانب خداوند است.»^(۳)

۵. **دوری از رذایل اخلاقی و کنترل هوای نفس**
قناعت، ضد حرص، طمع، حسادت و دنیاگرایی افراطی است.

انسان قانع کمتر گرفتار مقایسه‌های نادرست، حسرت خوردن بر داشته‌های دیگران و رقابت‌های ناسالم می‌شود؛ زیرا دل او به رضایت الهی آرام گرفته است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «لَوْ كَانَ لِإِنِّی أَدَمَّ

خَرَجٌ مِنِّی خَدَّيْهِ؛ هر که به رزق اندک خشنود باشد، خداوند عمل اندک او را می‌پذیرد و هر کس به درآمد حلال اندک، خشنود باشد، هزینه‌هایش کم گشته و درآمدش پاک شده و از حد ناتوانی، به درآید.»^(۴)

و در روایتی دیگر چنین می‌خوانیم: «و الطمع و الرغبة فی الدنیا اعلان لکل شرّ و صاحبهما لا ینجو من النار الاّ آن یتوب؛ و طمع و رغبت شدید به دنیا، ریشه و سرچشمه هر بدی هستند و صاحب این دو از آتش (دوزخ) نجات نمی‌یابد مگر اینکه توبه کند.»^(۵)

۷. **تقویت شکرگزاری و رضایت از نعمت‌های الهی**
انسان قانع به جای تمرکز بر نداشته‌ها، نعمت‌های موجود را می‌بیند و آن‌ها را از جانب خداوند می‌داند. این روحیه، او را به مقام شکر نزدیک‌تر می‌کند و سبب افزایش نعمت‌های معنوی می‌شود. پیامبر اکرم فرمودند: «و کُنْ قَنِعًا تَكُنْ أَشْکَرَ النَّاسِ» به آنچه خدا به تو داده قناعت کن تا شکرگزارترین مردم باشی.»^(۶)

نفس: تقویت روحیه قناعت است. انسان را از این لغزش‌ها دور می‌کند و زمینه پاکی اخلاقی او را فراهم می‌سازد. امام صادق(ع) فرمودند: «مَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ التَّيَسُّيرَ مِنَ الْعَمَلِ وَ مَنْ رَضِيَ بِالتَّيَسُّيرِ مِنَ الْعَمَلِ خَفَّتْ مَوْتُهُ وَ زَكَّتْ مَكْتَسِبَتُهُ وَ

شبهه ها و پاسخ ها

پویایی فقه و اختلافات فقهی

بنابراین، اگر از «پویایی فقه» سخن می‌گوییم، مقصود این نیست که همه مجتهدان در همه زمان‌ها باید یک فتوا داشته باشند؛ بلکه مقصود آن است که فقه، روش و توانایی لازم برای بررسی مسائل مختلف و استنباط حکم آن‌ها را داشته باشد.

نکته دوم: اختلاف فتاوا عمدتاً در فرآیند استنباط پدید می‌آید
فقیه در مقام اجتهاد با یک فرآیند چندمرحله‌ای مواجه است. او باید منابع مرتبط با مسئله را شناسایی کند، اعتبار روایات را بررسی کند، دلالت آیات و روایات را بسنجد، نسبت ادله مختلف را مشخص کند و در صورت تعارض ظاهری، بر اساس قواعد معتبر میان آن‌ها جمع کند یا یکی را بر دیگری ترجیح دهد.

خود روایات نیز نشان می‌دهند که اختلاف ظاهری در نقل‌های دینی، مسئله‌ای بوده که برای مواجهه با آن نیاز به قواعد تشخیص و ارزیابی وجود داشته است.

از امام صادق(ع) نقل شده است: «إِذَا وَرَدَ عَلَیْکُمْ خِدْمَانٌ مُّخْتَلِفَانِ فَاغْرُضْهُمَا عَلَی کِتَابِ اللَّهِ، فَمَا وَفَّقَ کِتَابُ اللَّهِ فَخُذُوهُ، وَمَّا خَالَفَ کِتَابَ اللَّهِ فَارْذَوْهُ... هرگاه دو حدیث متفاوت به شما رسید، آن‌ها را بر کتاب خدا عرضه کنید؛ آنچه با کتاب خدا موافق بود، بپذیرید و آنچه با کتاب خدا مخالف بود، رد کنید.»^(۷)

این روایت، فارغ از بحث‌های سندی و اصولی مربوط به خود، به‌خوبی نشان می‌دهد که در فرآیند فهم میراث روایی، صرف وجود یک نقل برای پایان یافتن فرآیند استنباط کافی نیست و باید نسبت آن با سایر منابع و معیارهای معتبر بررسی شود.

نقطه قوت اجتهاد در مواجهه با زمانه، این نیست که برای هر پدیده جدید، حکم صریح و مستقیمی در منابع داشته باشیم؛ بلکه این است که منابع و قواعد فقهی بتوانند در فرآیند اجتهاد بر موضوعات جدید تطبیق پیدا کنند.

پویایی فقه یک ظرفیت روشی است، اما بالفعل شدن این ظرفیت به فعالیت علمی و پژوهشی و صرف هزینه‌های انسانی و مادی بسیار بیشتری نیاز دارد.

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

آثار معنوی قناعت

که دلش وابسته به دنیا نباشد، حسابرسی آسان‌تری خواهد داشت؛ زیرا بسیاری از لغزش‌ها از دلبستگی شدید به دنیا سرچشمه می‌گیرند.

۱۱. **رسیدن به رضوان الهی و بهشت**
بالاترین اثر اخروی قناعت، رسیدن به رضایت خداوند و سعادت جاودانه است. انسان قانع با پذیرش حکمت الهی، پاکی دل و اصلاح رفتار، مسیر قرب الهی را می‌پیماید.

نتیجه:
قناعت یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های معنوی انسان است که او را از اسارت حرص، طمع و دنیاطلبی رها می‌سازد و زمینه رشد ایمان و کمال روحی را فراهم می‌کند. انسان قانع به مقام رضا و توکل نزدیک می‌شود، از رذایل اخلاقی دور می‌گردد، شکرگزاری او افزایش می‌یابد و فرصت بیشتری برای عبادت و اصلاح نفس پیدا می‌کند.

همچنین در مسیر آخرت، قناعت سبب جلب رضایت الهی، قبولی اعمال، سبک شدن حساب قیامت و رسیدن به سعادت جاودانه می‌شود. بنابراین، قناعت به معنای ترک تلاش و پیشرفت نیست؛ بلکه به معنای تلاش در مسیر حلال، همراه با رضایت قلبی

۸. فراهم شدن فرصت بیشتر برای عبادت و رشد معنوی
قناعت انسان را از گرفتار شدن در حرص دنیا و مشغولیت‌های بی‌پایان مادی آزاد می‌کند. در نتیجه، فرصت بیشتری برای عبادت، یاد خدا، کسب معرفت، اصلاح نفس، انفاق و خدمت به دیگران پیدا می‌کند. انسان قانع سرمایه عمر خود را صرف رسیدن به کمال انسانی و آماده شدن برای زندگی آخرت می‌کند.

۹. **جلب رضایت خداوند و قبولی اعمال**
از آثار ارزشمند قناعت، نزدیک شدن به رضایت الهی است. کسی که به روزی خداوند راضی باشد و در مسیر بندگی حرکت کند، مورد لطف و رحمت الهی قرار می‌گیرد. امام صادق(ع) فرمودند: «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ التَّيَسُّيرَ مِنَ الْعَمَلِ؛ هر که به روزی اندک خدا راضی باشد، خداوند نیز به اندک عمل او رضایت دهد.»^(۸)

۱۰. **سبک شدن حساب قیامت و نجات از آتش**
قناعت باعث می‌شود انسان کمتر گرفتار دنیاطلبی، گناه، ظلم و تضییع حقوق دیگران نشود؛ بنابراین زمینه نجات او در آخرت فراهم می‌شود. کسی

۱. قی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحر الألوّار، ج ۷، ص ۳۷۵.
۲. نجل، آیه ۹۷.
۳. الشیخ الطبرسی، مجمع البیان، دارالمعرفه، ج ۶، ص ۵۹۳.
۴. وزام بن ابی فراس، مجموعه وزام، قم، مکتبه الفقیه، دور ۱، ج ۱، ص ۱۶۳.
۵. ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، بتصحیحہ والتعلیق علیہ غفاری، علی اکبر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعه المدرسین، الطبعه الثانیة، ۱۴۰۲ - ق، ص ۲۷۷.
۶. قی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحر الألوّار، ج ۷، ص ۳۷۵.
۷. وزام بن ابن فراس، مجموعه وزام، قم، مکتبه الفقیه، دور ۱، ج ۱، ص ۱۶۳.
۸. الشیخ الکلینی، الکافی محقق / المصحح: غفاری علی اکبر و محمد اخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۲۸.

✽ **زهر ابراهیمی**

نکته ششم: محدودیت منابع و شرایط عصر غیبت نیز در فرآیند استنباط اثرگذار است
فقیه معاصر برای استنباط حکم شرعی به میراث باقی‌مانده از قرآن و سنت و دیگر منابع معتبر مراجعه می‌کند؛ اما این میراث الزاماً تمام داده‌های تاریخی موجود در زمان معصومان(ع) را در اختیار ما قرار نمی‌دهد.

بخشی از آثار و روایات در طول تاریخ از میان رفته و در مواردی نیز برخی روایات به بعضی فقها رسیده و به برخی دیگر نرسیده است. همین مسئله می‌تواند در اختلاف نتایج اجتهادی مؤثر باشد.^(۹)

از سوی دیگر، در عصر غیبت امکان مراجعه مستقیم به امام معصوم(ع) برای پرسش از حکم مسائل وجود ندارد. در نتیجه، فقیه باید از طریق منابع باقی‌مانده و قواعد معتبر استنباط، به حکم شرعی دست یابد. این وضعیت، ضرورت توسعه دانش‌های مرتبط با حدیث، رجال، اصول فقه و دیگر ابزارهای اجتهاد را بیش‌تر می‌کند.

بنابراین، بخشی از اختلاف موجود را باید در شرایط واقعی فرآیند معرفت فقهی نیز دید؛ فرآیندی که از یک سسو به میراث تاریخی محدود دسترسی دارد و از سوی دیگر، باید بدون دسترسی مستقیم به معصوم(ع)، پاسخ مسائل جدید را استنباط کند.

نتیجه:
اختلاف فتاوا با پویایی فقه ناسازگار نیست؛ زیرا پویایی فقه به معنای یکسان بودن همه نتایج اجتهادی نیست، بلکه به معنای برخورداری از روش مشخص برای استنباط حکم و مواجهه با مسائل و موضوعات متغیر است.

این اختلاف می‌تواند از تفاوت در ارزیابی منابع، فهم و جمع میان ادله و تشخیص موضوعات پدید آید.

در عین حال، باید میان «ظرفیت پاسخ‌گویی اجتهاد» و «بالحقل بودن همه پاسخ‌ها» تفکیک کرد؛ زیرا پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده جدید، افزون بر روش اجتهاد، به پژوهش گسترده، موضوع‌شناسی و بهره‌گیری از علوم تخصصی نیاز دارد و فقه در عصر غیبت نیز با محدودیت‌هایی در دسترسی به معصوم(ع) و میراث روایی مواجه است.

بنابراین، اختلاف فتاوا به‌خودی‌خود نشانه ناتوانی فقه نیست و ارزیابی پویایی آن باید بر اساس توان روش اجتهاد و میزان بالفعل شدن ظرفیت‌های آن صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها:
۱. توبه، آیه ۱۲۲.
۲. مکرم شیرازی، ناصر، دائره‌المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۷ق، ج ۱، صص ۳۲۹-۳۳۰.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۹؛ همچنین، رک: حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت لإیجاه التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۰۶.
۴. مکرم شیرازی، دائره‌المعارف فقه مقارن، قم، صص ۳۵۴-۳۷۷.
۵. همان، ج ۱، ص ۳۷۸؛ همچنین، رک: نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲ش، ج ۶، ص ۱۱۸.
۶. مکرم شیرازی، دائره‌المعارف فقه مقارن، قم، صص ۳۵۴-۳۶۰.
مبثم شیعیانی جوشانی

صفحه ۱۱

شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۵

۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۲۲۶

چراغ راه

منطق بد و ناسزاگویی

مخل شخصیت و برادری است

قال الامام علی(ع): «سوء المنطق یزری بالقدر و یفسد الاخوه».

امام علی(ع) فرمود: بدگویی و هززه‌گویی، قدر و منزلت انسان را پایین می‌آورد و اخوت و برادری و دوستی را از بین می‌برد.^(۱)

۱-غرالحکم، ص ۲۳۳

حکایت خوبان

شاخص برتری اصل و نسب و نژاد نیست!

روزی سلمان فارسی در مسجد پیامبر(ص) نشسته بود، عدای از اکابر اصحاب نیز حاضر بودند، سخن از اصل و نسب به میان آمد، هر کس درباره اصل و نسب خود چیزی می‌گفت و آن را بالا می‌برد، نوبت به سلمان رسید، به او گفتند: تو از اصل و نسب خود بگو، این مرد فرزانه تعلیم‌یافته و تربیت‌شده اسلامی به جای اینکه از اصل و نسب و افتخارات نژادی سخن به میان آورد، گفت: من نامم مسلمان است و فرزند یکی از بندگان خدا هستم، گمراه بوده و خداوند به وسیله محمد(ص) مرا راهنمایی کرد، فقیر بودم و خداوند به وسیله محمد مرا آزاد کرد. این است اصل و نسب و حسب من در این بین رسول‌خدا(ص) وارد شد و سلمان گزارش جریان را به عرض آن حضرت رساند. پیامبر(ص) رو کرد به آن جماعت که همه از قریش بودند و فرمود: ای گروه قریش، خون یعنی چه؟ نژاد یعنی چه؟ نسب افتخارآمیز هر کس دین اوست، مردانگی هر کس عبارت است از خلق و خوی و شخصیت او، نژاد و ریشه هر کس عبارت است از عقل و فهم و ادراک او، چه ریشه و اصل و اصل بالاتر از عقل؟! یعنی به جای افتخار به استخوان‌های پوسیده و گندیده، به دین و اخلاق و عقل و فهم و ادراک خود افتخار کنید!^(۲)

۱- مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری(ره)، (خدمات متقابل اسلام و ایران)، ج ۱، ص ۷۴ و ۷۵

پرسش و پاسخ

راهکارهای مقابله با جنگ نرم (۳)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی، چه راهکارهایی برای مقابله با جنگ نرم دشمن ارائه شده است؟

پاسخ:

در نو بخش قبلی پاسخ به این سوال به راهکارهایی شامل: ۱- تعمیق و ترویج باورها و ارزش‌های دینی ۲- رعایت تقوا و دوری جستن از وسوسه‌های شیطان ۳- توانایی حقایق و جهان تبیین ۴- مقاومت و سبازش‌ناپذیری برسر اصول و مبانی اعتقادی ۵- نقد مبانی فکری و باورهای اعتقادی دشمن پرداختیم؛ اینک در ادامه دنباله مقالب را بی می‌گیریم.

۶- مبارزه با عقاید باطلی
از دیگر راهکارهای مقابله با جنگ نرم دشمنان، مبارزه با عقاید و آرمان‌های کفر و الحاد است. قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید: «تعبیدون ما بتجنون»؛ آیا بت‌هایی را می‌پرستید که خودتان تراشیده‌اید؟ (صافات- ۹۵)
آری حضرت ابراهیم هم با منطق و استدلال و در عمل، به مبارزه با شرک و بت‌پرستی اقدام کرد. بت و بت‌پرستی مفهوم وسیعی دارد، هر نوع توجه به هر خدا را در هر شکل و صورت شامل می‌شود. طبق حدیث معروف که هر چه انسان را به خود مشغول، و از خدا دور سازد بت اوست. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۲۳). امام علی(ع) در مقابل عقاید باطل و انحرافات عقیدتی که دشمنان حلق و حقیقت با جنگ نرم به آن دامن می‌زدند به مبارزه می‌پرداخت، هدایت‌گری و بصیرت‌بخشی، عملاً مقابل عقاید باطل منحرفان می‌ایستاد. آن حضرت فرمود: «هروز ما بدان جهت با برادران مسلمانان وارد جنگ شدیم که انحراف، کجی، شبهه و تأویل در اسلام وارد شده است (نهج‌البلاغه- خطبه ۱۲۲) مردی از حسن بصری در مورد امیرمؤمنان علی(ع) پرسید، و او در پاسخ گفت: راه دین را به مردم نمایاند و زمانی که دین به انحراف گراییده بود، آن را راست کرد. (المصنف، ابن ابی‌شعبه، ج ۱۲، ص ۸۳) در عصر امام‌سجاد(ع)، گروه‌های منحرفی چون مرجئه و مجسمه و... نیز در نشر عقاید باطل فعالیت داشتند. آن حضرت علی‌رغم جو خفنان سیاسی، در قالب دعا به مبارزه با عقاید باطل و انحرافات پرداخت که صحیفه سجاده‌یه حاصل آن است. امام باقر(ع) و امام صادق(ع) علاوه بر مبارزه با عقاید باطل، به عنوان یک سیره مستمر، شاکرگدانی را تربیت کردند، تا در مقابل نشر عقاید باطل و انحرافات به مبارزه برخیزند، ضمن پاسخگویی به شبهات و سؤالات عقاید باطل را به چالش کشیده، و جلوی نشر آنها را در جامعه بگیرند.

۷- تقویت روحیه استکبار ستیزی
استکبار شیطانی و دشمنان کینه‌توز، پیوسته بر طبل دشمنی با اسلام می‌کوبند و آشکارا تسلیم‌پذیری و ذلت جهان اسلام را خواستارند. قرآن کریم این دشمنی را به‌طور مکرر به مومنان هشدار داده و می‌فرماید: شیطان دشمن شماست. پس او را دشمن بدانید. او حزب و وارداران خود را به این دعوت می‌کند که اهل آتش بسوزان (جننم) باشند. (فاطر-۳۰) به سوره یس آیه ۶۰ بار هم این هشدار را به مومنان می‌دهد، برای اینکه آنها پیدار باشند و بداندن استکبار شیطانی و باران او با همه توان به میدان آمده تا وجهه استکبارستیزی و گرایش به ارزش‌های دینی و روحیه انقلابی مومنان را خشنی کنند یا کاهش دهند. آنچه دشمنان و استکبار شیطانی جهانی را به خشم آورده و امنیت روانی را از آنان گرفته، روحیه ضدانستکاری مردم مسلمان و انقلابی ایران است. بنابراین تلاش دشمنان اسلام، تضعیف این روحیه ضدانستکاری است، که باید همواره در جهت تقویت و تشدید آن تلاش کرد.

۸- هوشیاری و بصیرت‌افزایی
بصیرت به معنای عقل، زیرکی، فطانت، هوشیاری، عبرت گرفتن، اندرز گرفتن، گواه، دلیل، بینش و فراسات واقعی است.اسان‌العرب، این‌منظور، دلیل مانه ضرب، بصیرت چراغ و قطب‌نمای معنویت است، یعنی دیدن عمیق جهانی، به همین دلیل توطئه‌ها و اهداف پس پرده تبلیغات دشمنان و استکبار جهانی، به مومنان دلیل انسان‌های با بصیرت، کمتر فریب تبلیغات دشمن را خورده و به‌دام جنگ نرم آنان گرفتار می‌آیند. قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر! بگو!این راه من است که با بصیرت تمام، خود و پیروان را به سوی خدا دعوت می‌کنم.»(یوسف-۱۰۸) امام علی(ع) می‌فرماید: «فقه البصر اهون من فقدان البصیر» فقدان چشم از فقدان بصیرت آسان‌تر است.(غرالحکم- ص ۴۱) بنابراین مستکبران معاند می‌کوشند تا این چراغ راه و قطب‌نما را ملته‌ها بگیرند، تا بسترهای سلطه خود را به هر چهل و ناگاه‌ی و فقدان بصیرت مردمان بنا شده، امل آگاه نگردانند، به همین دلیل، از شیوه‌های جنگ نرم دشمنان و استکبار، غفلت‌آفرنی، انحراف مردم از واقعیت‌ها و حقایق، سانسور حقایق، و در چهل و غفلت نگه داشتن مردم است.

سلوک عارفانه

آثار مستمر حضور خدا در زندگی

قرآن می‌گوید: خدا را وارد زندگی‌ات کن. خدا وارد زندگی‌ات بشود، همه‌چیز درست است، ولی به شرط اینکه درست وارد زندگی‌ات نشود. «لم ترکب ضرب الله مثلا کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلیفا کلّ حین باذن ربّها» (ابراهیم- ۲۴) می‌فرماید: ای انسان! این درخت (توحید) را سالم نگهدار، آبیاری کن، نگذار ریشه این درخت در وجودت پخششکند، نگذار آفات به ریشه این درخت برسد، تو فقط نگهبانی و باغبانی این درخت را داری، اگر این درخت را به تو می‌دهد قرآن به زبان خودش می‌گوید: «توتی اکلیفا کلّ حین باذن ربّها» یعنی این درختی نیست که فغلی باشد، یک فصل میوه آورده و امنیت روانی را از درختی نیست که کهنه و از ریشه پوسیده شود، تو فقط باید این درخت را نگهبانی کنی، درختی است جاوید و همیشگی که همیشه به تو میوه می‌دهد^(۱)

۱- مجموعه آثار استاد شهید، مرتضی مطهری(ره) ج ۲، ص ۲۳۵